قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ
مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ ١٣٥

بگوهريك منتظرست پس شما نيز منتظر باشيد پس خواهيد دانست كيانند اهل راهِ راست وكه راه يافت (١٣٥) .

سُورَةُ الْأَنبِيَاءِ

سوره انبياء مكى است وآن يك صدودوازده آيت وهفت ركوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ
مُّعْرِضُونَ ١

نزديك شد به مردمان حساب ايشان وايشان درغفلت روگردانند(١) .

مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ
وَهُمْ يَلْعَبُونَ ٢

نمى آيد بايشان هيچ پند ازجانب پروردگار ايشان نوپديد آورده مگربشنوند آن را بازى كنان (٢) .

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَا
إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۖ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ٣

غافل شده دل هاى ايشان وپنهان راز گفتند ايشان اين ظالمان كه نيست اين شخص مگر آدمى مانند شما آياقبال مى كنيدبسحر وشمامى بينيد (٣) .

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٤

گفت پيغامبر پروردگارمن مى داند هر سخنى را كه درآسمان وزمين باشدواوشنوا داناست (٤) .

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا
بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ٥

بلكه گفتند اين قرآن خواب هاى پريشان ست بلكه مى گويند بربسته است آنرابلكه مى گويند اوشاعرست پس بايد كه بياردپيش مانشانه چنان كه فرستاده شدند بآن نخستينيان[١] (٥) .

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۖ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ٦

ايمان نياورده بود پيش ازايشان هيچ ديهى كه هلاك كرديم آن را آياايشان

(١) مترجم گويد مرادازنشانهٔ عقوبت عام مى داشتند مثل طوفان قوم نوح وصرصرقوم هود والله اعلم .

وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِمْ فَسْـَٔلُوٓا أَهْلَ
الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ⑦

وَمَا جَعَلْنَٰهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا
خَٰلِدِينَ ⑧

ثُمَّ صَدَقْنَٰهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَٰهُمْ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهْلَكْنَا
الْمُسْرِفِينَ ⑨

لَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ كِتَٰبًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ⑩

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا
قَوْمًا ءَاخَرِينَ ⑪

فَلَمَّآ أَحَسُّوا بَأْسَنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ ⑫

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوٓا إِلَىٰ مَآ أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تُسْـَٔلُونَ ⑬

قَالُوا يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ⑭

فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَىٰهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَٰهُمْ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ ⑮

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ ⑯

ایمان خواهند آورد (٦) .

ونه فرستادیم پیش ازتو مگرمردان را که وحی می فرستادیم بایشان پس بپرسیدازاهل کتاب اگرشما نمی دانید (٧) .

ونساختیم پیغمران را کالبدی که نخورند طعام ونه بودند جاوید باشندگان (٨) .

بازراست کردیم درحق ایشان وعده را پس برهانیدیم ایشان را وهرکراخواستیم وهلاك کردیم ازحدگذرندگان را(٩) .

هرآئینه فروفرستادیم بسوی شماکتابی که دروهست پندما آیانمی فهمید (١٠) .

وبسیار شکستیم ازاهل دیهی که ستمگار بودند ونوپیدا ساختیم بعدآن گروهِ دیگر را (١١) .

پس چون دیدند عذاب ما ناگهان ایشان ازآنجا می دویدند (١٢) .

گفتیم مگریزید وبازروید بسوی مکانی که آسودگی داده شد شمارا درآن و بسوی خانهائ خویش تابود که پرسیده شوید[١] (١٣) .

گفتند ای وای ماراهرآئینه بودیم ستمگار (١٤) .

پس همیشه این بود گفتارایشان تاوقتیکه گردانیدیم ایشان را مثل زراعت درووده شده مانند آتش فرومرده (١٥) .

ونیافریدیم آسمان وزمین را وآنچه

(١) یعنی بغمخوارگی قوم احوال شما پرسند .

درمیان آنهاست بازی کنان (١٦) .

لَوْ أَرَدْنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٧﴾

اگرمی خواستیم که بسازیم بازیچه[١] هرآئینه می ساختیم آن را ازنزدیك خویش اگرکننده می بودیم[٢] (١٧) .

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَٰطِلِ فَيَدْمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۚ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

بلکه می افگنیم حق را برباطل پس سرش می شکند پس ناگهان باطل نابود شود و وای شماراست ازآن چه بیان می کنید (١٨) .

وَلَهُۥ مَن فِى السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَنْ عِندَهُۥ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾

واوراست آنکه درآسمان هاوزمین ست وآنانکه نزدیك اویند[٣] سرکشی نمی کنند ازعبادت او ومانده نمی شوند (١٩) .

يُسَبِّحُونَ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾

تسبیح می گویند شب وروز سستی نمی نمایند (٢٠) .

أَمِ اتَّخَذُوٓا ءَالِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿٢١﴾

آیااین چنین معبودان گرفته اند ازامتعهٔ زمین[٤] که ایشان را بعدموت بازبرانگیزانند[٥] (٢١) .

لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَٰنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾

اگربودی درآسمان و زمین خدایان چند غیرخدا هردوتباه گشتندی پاکی خدائراست خداوند عرش ازآنچه صفت

---

(١) یعنی زن وفرزند .

(٢) یعنی مجردمی بودند واین مناقضه لطیفه است حاصل آنکه دررسل این استبعادجاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن رادر تنزیه اززن وفرزندمی توان تقریر کرد که ا گرخدارازن وفرزندمی بودند مجرد وواجب الوجود جامع اوصاف کمال می بودند والله اعلم .

(٣) یعنی ملااعلی .

(٤) یعنی ازذهب وفضه .

(٥) مرادازین کلام ردست برعبادت اصنام .

می کنند (٢٢) .

لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُونَ ﴿٢٣﴾

پرسیده نمی شود خدا ازآنچه می کند وایشان پرسیده می شوند (٢٣) .

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ
هَٰذَا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

ایامعبودان گرفته اند بجز خدا بگوبیارید دلیل خودرا اینست کتاب آنانکه بامن اند واینست کتاب آنانکه پیش ازمن بودند بلکه اکثر ایشان نمی دانند حق را پس ایشان روگردانند (٢٤) .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ
لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو هیچ پیغمبری الّاوحی می فرستادیم بسوی وی که نیست هیچ معبود برحق غیر من پس پرستش من کنید (٢٥) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَٰنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ
مُكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾

وگفتند فرزند گرفته است خدا پاکی اوراست بلکه آنانکه درحق ایشان این زعم دارندبندگانِ گرامی اند (٢٦) .

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

پیش دستی نمی کنند برخدا بهیچ سخن وایشان بفرمان وی کارمی کنند (٢٧) .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ
إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾

میداند خداآنچه درپیش روی ایشان ست وآنچه پس پشت ایشان ست وشفاعت نمی کنند الّابرای کسیکه خداخوشنودشده است وایشان ازترسِ خدا مضطربانند (٢٨) .

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ
كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾

وهرکه بگویدازایشان که من خدایم بجزخدا سزا دهیم اورا دوزخ همچنین سزامی دهیم ستمگاران (٢٩) .

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

آیا نه دیدند کافران که آسمان ها وزمین بسته بودند پس وا کردیم این هارا[1]

---

(١) مترجم گوید وا کردن آسمان ها نازل کردن مطرست ووا کردن زمین رویانیدن گیاه=

كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنٰهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ۖ
أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾

وپیداکردیم ازآب هرچیز زنده را آیاایمان نمی آرند (٣٠) .

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا
فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾

وپیداکردیم درزمین کوه هاازبرای احتراز ازآنکه بجنباند ایشان را وپیداکردیم درآنجا کشاده راه ها تابود که ایشان راه یابند (٣١) .

وَجَعَلْنَا السَّمَآءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا ۖ وَهُمْ عَنْ
اٰيٰتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾

وساختیم آسمان را سقفی نگاه داشته شده وایشان ازنشان های آسمان روگردانند (٣٢) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ
فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾

واوست آنکه آفرید شب و روزرا وخورشید را وماه را هریکی ازستارها درآسمانی شنامی کنند (٣٣) .

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۖ أَفَإِنْ مِتَّ
فَهُمُ الْخٰلِدُونَ ﴿٣٤﴾

ونداديم هیچ آدمی را پیش ازتو همیشه بودن آیا اگر توبمیری ایشان همیشه باشندگانند (٣٤) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ
فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

هرشخص چشندۀ مرگ است ومبتلامی کنیم شمارا بسختی وآسودگی بطریق امتحان وبسوی ما بازگردانیده شوید (٣٥) .

وَإِذَا رَاٰكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا ۖ أَهٰذَا
الَّذِي يَذْكُرُ اٰلِهَتَكُمْ ۚ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمٰنِ هُمْ كٰفِرُونَ ﴿٣٦﴾

وچون ببینند ترا کافران نمی‌گیرند ترا مگر به تمسخر می‌گویند آیااین شخص است که یادمی کند (یعنی باهانت) معبودانِ شمارا وایشان یادخدا را منکر اند (٣٦).

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۚ سَاُورِيكُمْ اٰيٰتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾

آفریده شد آدمی ازشتاب[1] خواهم نمودشما رانشانهای خویش پس شتاب

= ازوی .

(١) این کنایت است ازغلبۀ استعجال برآدمی والله اعلم .

طلب مکنیدازمن (۳۷) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

ومی گویند کی خواهد بود این وعده اگر راست گو هستید (۳۸) .

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ
النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾

اگربدانند کافران صورت حال آن وقت که باز نتوانند داشت ازروی رویهای خویش آتش را ونه ازپشت های خویش ونه ایشان نصرت داده شوند(چنین نه گفتندی) (۳۹) .

بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾

بلکه بیاید بایشان قیامت ناگهان پس حیران گرداندایشان راپس نتوانند دفع کردن ان و نه ایشان مهلت داده شوند (۴۰) .

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا
مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾

وهرآئینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش ازتو پس درگرفت باآنانکه تمسخر کردند ازایشان آنچه بآن استهزا می کردند (۴۱) .

قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَٰنِ ۗ بَلْ هُمْ عَن
ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾

بگو که نگهبانی می کند شمارا شب و روز ازعقوبتِ خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روگردان اند (۴۲) .

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا ۚ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ
أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾

آیاایشان را معبودانند غیرماکه نگاه می دارند ایشان را ازمصائب نمی توانند نصرت دادن خویش را ونه ایشان ازعقوبت ما به جمعیتِ خود محفوظ مانند (۴۳) .

بَلْ مَتَّعْنَا هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۗ
أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ
أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

بلکه بهره مند ساخته ایم ایشان را وپدران ایشان را تاوقتیکه درازشد برایشان مدت عمر آیانمی بینند که مادرگرفت می کنیم زمین دارالحرب را می کاهیم آن را ازجوانب آن آیا ایشان غلبه

کنند گانند[1] (٤٤) .

قُلْ اِنَّمَآ اُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ ۖ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَآءَ
اِذَا مَا يُنْذَرُوْنَ ﴿٤٥﴾

بگوجزاین نیست که می ترسانم شمارا بمضمون وحی ونمی شنوند کران آوازِ خواندن را چون ترسانیده می شوند (٤٥) .

وَلَئِنْ مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُوْلُنَّ يٰوَيْلَنَآ
اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ﴿٤٦﴾

و اگر رسد بایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو هرآئینه گویند ای وای مارا هر آئینه مابودیم ستمگاران (٤٦) .

وَنَضَعُ الْمَوَازِيْنَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ
شَيْئًا ۖ وَاِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ اَتَيْنَا
بِهَا ۖ وَكَفٰى بِنَا حٰسِبِيْنَ ﴿٤٧﴾

ودرمیان نهیم ترازوئ عدل را روزقیامت پس ستم کرده نشود برهیچ کس هیچ چیز و اگرباشد عمل هم سنگ دانهٔ سپندان حاضر کنیم آن را وماحساب کننده بسیم (٤٧) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءً
وَّذِكْرًا لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٨﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ وهارون را کتاب فیصله کننده وروشنی .وپندی پرهیزگاران را (٤٨) .

الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ
مُشْفِقُوْنَ ﴿٤٩﴾

آنانکه می ترسند ازپروردگار خویش غائبانه وایشان ازقیامت ترسندگانند (٤٩) .

وَهٰذَا ذِكْرٌ مُّبٰرَكٌ اَنْزَلْنٰهُ ۖ اَفَاَنْتُمْ لَهٗ مُنْكِرُوْنَ ﴿٥٠﴾

واین قرآن پندی هست بابرکت فروفرستادیم آن را آیا شما بآن منکر اید (٥٠) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَآ اِبْرٰهِيْمَ رُشْدَهٗ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهٖ
عٰلِمِيْنَ ﴿٥١﴾

وهرآئینه دادیم ابراهیم را راه یابئ او پیش ازین وبودیم باحوال اودانا (٥١) .

اِذْ قَالَ لِاَبِيْهِ وَقَوْمِهٖ مَا هٰذِهِ التَّمَاثِيْلُ الَّتِيْٓ اَنْتُمْ لَهَا
عٰكِفُوْنَ ﴿٥٢﴾

چون گفت پدرخودرا وقوم خودراچیست این صورت ها که شمابرآن مجاورت دارید (٥٢) .

(١) یعنی باسلام اسلم وغفارپیش ازهجرت .

قَالُوْا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا لَهَا عٰبِدِيْنَ ﴿٥٣﴾

گفتند یافتیم پدران خودرا آن را پرستنده (٥٣) .

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٥٤﴾

گفت هرآئینه بودید شما و پدران شما درگمراهئ ظاهر (٥٤) .

قَالُوْٓا اَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ اَمْ اَنْتَ مِنَ اللّٰعِبِيْنَ ﴿٥٥﴾

گفتند آیا آوردی بما سخن راست رایاتو ازبازی کنندگانی (٥٥) .

قَالَ بَلْ رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ الَّذِيْ
فَطَرَهُنَّ ۖ وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكُمْ مِّنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٥٦﴾

گفت بلکه پروردگارشما خداوند آسمان ها وزمین است آنکه آفرید این هارا ومن براین سخن ازگواهانم (٥٦) .

وَتَاللّٰهِ لَاَكِيْدَنَّ اَصْنَامَكُمْ بَعْدَ اَنْ تُوَلُّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿٥٧﴾

وبخدا قسم که البته بدسگالیِ کنم بتانِ شمارا بعد ازآن که روبگردانید پشت داده (٥٧) .

فَجَعَلَهُمْ جُذٰذًا اِلَّا كَبِيْرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ اِلَيْهِ يَرْجِعُوْنَ ﴿٥٨﴾

پس ساخت آنهارا ریزه ریزه مگر بتِ بزرگ رااازایشان تابود که بسوی اوایشان بازگردند (٥٨) .

قَالُوْا مَنْ فَعَلَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَآ اِنَّهٗ لَمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٥٩﴾

گفتند که کرده است این کار بمعبودان ماهرآئینه وی ازستمگاران ست (٥٩) .

قَالُوْا سَمِعْنَا فَتًى يَّذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهٗٓ اِبْرٰهِيْمُ ﴿٦٠﴾

گفتند شنیدیم جوانی را که ذکر بتان میکرد یعنی عیب می کرد گفته می شود اورا ابراهیم (٦٠) .

قَالُوْا فَاْتُوْا بِهٖ عَلٰٓى اَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُوْنَ ﴿٦١﴾

گفتند بیارید اورا بحضور چشمهای مردمان تابود که ایشان گواهی دهند (٦١) .

قَالُوْٓا ءَاَنْتَ فَعَلْتَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَا يٰٓاِبْرٰهِيْمُ ﴿٦٢﴾

گفتند آیا تو کردی این کار بمعبودان ما ای ابراهیم (٦٢) .

قَالَ بَلْ فَعَلَهٗ ۖ كَبِيْرُهُمْ هٰذَا فَسْـَٔلُوْهُمْ
اِنْ كَانُوْا يَنْطِقُوْنَ ﴿٦٣﴾

گفت بلکه کرده است آن را این بتِ بزرگ ایشان پس سوال کنید ازبتان اگرسخن می گویند (٦٣) .

فَرَجَعُوٓا اِلٰٓى اَنْفُسِهِمْ فَقَالُوٓا اِنَّكُمْ اَنْتُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٦٤﴾

پس رجوع کردند بخویشتن پس گفتند بایکدیگر هرآئینه شمااید ستمگار (٦٤) .

ثُمَّ نُكِسُوْا عَلٰى رُءُوْسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ
مَا هٰٓؤُلَآءِ يَنْطِقُوْنَ ﴿٦٥﴾

پس نگونسار شدند برسر خویش (واین کنایت ست ازملزم شدن) هرآئینه تومیدانی که ایشان سخن نمی گویند (٦٥) .

قَالَ اَفَتَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْـًٔا
وَّلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾

گفت آیا عبادت می کنید بجز خداچیزی را که هیچ نفع نمی رساند بشما وزیان نکند شمارا (٦٦) .

اُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ
اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٧﴾

ناخوشی است بشما وبآنچه شمامی پرستید بجز خدا آیانمی فهمید (٦٧) .

قَالُوْا حَرِّقُوْهُ وَانْصُرُوْٓا اٰلِهَتَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ فٰعِلِيْنَ ﴿٦٨﴾

بایك دیگر گفتند که بسوزانید اورا و نصرت دهید خدایان خودرا اگر کننده اید[1] (٦٨) .

قُلْنَا يٰنَارُ كُوْنِيْ بَرْدًا وَّسَلٰمًا عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ ﴿٦٩﴾

گفتیم ای آتش سردشو وسلامتی باش برابراهیم (٦٩) .

وَاَرَادُوْا بِهٖ كَيْدًا فَجَعَلْنٰهُمُ الْاَخْسَرِيْنَ ﴿٧٠﴾

و خواستند باو فریب کردن پس ساختیم ایشان را زیان کار تر (٧٠) .

وَنَجَّيْنٰهُ وَلُوْطًا اِلَى الْاَرْضِ الَّتِيْ بٰرَكْنَا
فِيْهَا لِلْعٰلَمِيْنَ ﴿٧١﴾

وبرهانیدیم ابراهیم را و لوط را بسوی زمینی که برکت نهادیم درآن عالم هارا[2] (٧١) .

وَوَهَبْنَا لَهٗٓ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا
صٰلِحِيْنَ ﴿٧٢﴾

وعطا کردیم اورا اسحق وعطا کردیم اورایعقوب که نبیرهٔ ابراهیم بود وهر یکی راساختیم نیکوکار (٧٢) .

وَجَعَلْنٰهُمْ اَئِمَّةً يَّهْدُوْنَ بِاَمْرِنَا وَاَوْحَيْنَآ اِلَيْهِمْ فِعْلَ

وپیشوا گردانیدیم ایشان را راه می نمودند بفرمان ما ووحی فرستادیم بسوی

(١) القصه درآتش انداختند .

(٢) یعنی سرزمین شام .

الْخَيْرٰتِ وَإِقَامَ الصَّلٰوةِ وَإِيتَآءَ الزَّكٰوةِ ۚ وَكَانُوا لَنَا عٰبِدِينَ ﴿٧٣﴾

ایشان کردن نیکوئیها وبرپاداشتن نماز
ودادنِ زکوٰة وبودند مارا عبادت کنندگان
(٧٣).

وَلُوطًا اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا وَّنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي
كَانَتْ تَّعْمَلُ الْخَبٰٓئِثَ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فٰسِقِينَ ﴿٧٤﴾

ولوط را دادیم حکمت و علم وبرهانیدیم
اورا از دیهی که می کرد کارهای ناپاك
هرآئینه ایشان بودند قوم بد گنهگار
(٧٤).

وَأَدْخَلْنٰهُ فِي رَحْمَتِنَا ۖ إِنَّهُ مِنَ الصّٰلِحِينَ ﴿٧٥﴾

ودرآوردیم اورا برحمت خویش هرآئینه
وی بود ازشائسته کاران (٧٥) .

وَنُوحًا إِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنٰهُ
وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

ویاد کن نوح را چون ندا کردپیش ازین
پس قبول کردیم دعای اورا پس خلاص
کردیم اورا وکسان اورا از اندوه بزرگ
. (٧٦)

وَنَصَرْنٰهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا ۚ
إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنٰهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾

ونصرت دادیم اورا برقومی که دروغ
شمردند آیات مارا هرآئینه ایشان بودند
گروهی بد پس غرق کردیم ایشان را همه
یکجا (٧٧) .

وَدَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ إِذْ يَحْكُمٰنِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ
فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ ۚ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شٰهِدِينَ ﴿٧٨﴾

ویادکن داوٗد و سلیمان راچون حکم
کردند درباب زراعت چون بوقت شب
چراکرد درآن گوسفندان گروهی وبودیم
برحکم ایشان حاضر[1] (٧٨) .

فَفَهَّمْنٰهَا سُلَيْمٰنَ ۚ وَكُلًّا اٰتَيْنَا حُكْمًا وَّعِلْمًا ۖ وَّسَخَّرْنَا

پس فهمانیدیم طریق فیصله کردن
خصومت سلیمان راوهر یکی را داده

(١) یعنی گوسفند انِ قومی درزراعت قومی دیگر بوقتِ شب درآمدند وچراکردند داوٗد علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفند انِ عوض زراعت سلیمان حکم کرداین قوم را باصلاح زراعت وآن قوم را بانتفاع از شیر غنم تاوقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان اصوب بود والله اعلم .

مَعَ دَاوٗدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ۚ وَكُنَّا فٰعِلِيْنَ ﴿٧٩﴾

بوديم حكمت ودانش ومسخر گردانيديم با داؤد كوه ها را كه باوتسبيح مى گفتند ومرغان را نيز مسخر ساختيم ومابوديم كننده (٧٩) .

وَعَلَّمْنٰهُ صَنْعَةَ لَبُوْسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِّنْۢ بَاْسِكُمْ ۚ فَهَلْ اَنْتُمْ شٰكِرُوْنَ ﴿٨٠﴾

وبياموختيم اوراساختنِ لباسى براى شما كه نگاه دارد شمارا ازضرركارزار شما[1] پس آيا هستيد شكر كننده (٨٠) .

وَلِسُلَيْمٰنَ الرِّيْحَ عَاصِفَةً تَجْرِيْ بِاَمْرِهٖۤ اِلَى الْاَرْضِ الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا ۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عٰلِمِيْنَ ﴿٨١﴾

ومسخر ساختيم براى سليمان بادتندوَزِنده مى رفت بفرمان وَى بسوى زمينيى كه بركت نهاديم درآن (يعنى شام) وبوديم بهرچيز دانا (٨١) .

وَمِنَ الشَّيٰطِيْنِ مَنْ يَّغُوْصُوْنَ لَهٗ وَيَعْمَلُوْنَ عَمَلًا دُوْنَ ذٰلِكَ ۚ وَكُنَّا لَهُمْ حٰفِظِيْنَ ﴿٨٢﴾

ومسخر ساختيم ازديوان جماعتى را كه غواصى مى كردند براى وى ومى كردند كارى غير آن نيزو بوديم ايشان را نگاه دارنده (٨٢) .

وَاَيُّوْبَ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗۤ اَنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿٨٣﴾

و يادكن ايوب را چون نداكرد بجناب پروردگار خويش بآنكه مرا رسيده است رنج وتو مهربان ترين مهربانانى (٨٣) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَكَشَفْنَا مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ وَّاٰتَيْنٰهُ اَهْلَهٗ وَمِثْلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرٰى لِلْعٰبِدِيْنَ ﴿٨٤﴾

پس قبول كرديم دعاى اورا پس دورساختيم آنچه باوى بود ازرنج وعطاكرديم اورافرزندان او ومانند ايشان همراه ايشان بسبب مهربانى ازنزديك خويش وتاپندى بود عبادت كنندگان را (٨٤) .

وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِدْرِيْسَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٨٥﴾

ويادكن اسمعيل راو ادريس را وذوالكفل را هريكى ازصبر كنندگان بود (٨٥) .

وَاَدْخَلْنٰهُمْ فِيْ رَحْمَتِنَا ۖ اِنَّهُمْ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٨٦﴾

ودرآورديم ايشان را در رحمت خود هرآئينه ايشان ازنيكوكاران بودند (٨٦) .

---

(١) يعنى ساختن زره .

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾

ویادکن ذوالنون راچون رفت خشم خورده[1] پس گمان کرد که تنگ نگیریم بروی[2] پس ندا کرد درتاریکی ها بآن که هیچ معبود بحق نیست غیرتو پاکی تراست هرآئینه من بودم ازستمگاران (۸۷) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

پس قبول کردیم دعای اورا ونجات دادیمش ازغم وهمچنین نجات می دهیم مسلمانان را (۸۸) .

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿٨٩﴾

ویادکن زکریا را چون ندا کرد بجناب پروردگار خود ای پروردگار من مگذارمرا تنها وتو بهترین وارثانی (۸۹) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ﴿٩٠﴾

پس قبول کردیم دعای اورا وبخشیدیم اورا یحییٰ ونیکوساختیم برای اوزن اورا هرآئینه این پیغامران شتاب می کردند درنیکی ها ومی خواندند مارا بتوقع و خوف وبودند برای ما نیاز مند (۹۰) .

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾

ویادکن زنی را که بعفت نگاه داشت شرمگاهِ خودرا پس دمیدیم درآن روح خودرا وساختیم اورا وپسر اورا نشانه برای عالمها (۹۱) .

إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾

گفتیم هرآئینه اینست ملتِ شما ملت یکتاومن پروردگار شما ام پس عبادت من کنید[3] (۹۲) .

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿٩٣﴾

ومتفرق شدندامت هادرکارخود[4]

---

(۱) یعنی برقوم خود بغیراذن الهی والله اعلم .

(۲) القصه حوت اورابحلق درکشید .

(۳) یعنی اصل دین واحد ست واختلاف درفروع می باشد .

(۴) یعنی دراصل دین .

درمیان خویش هر یك بسوی مارجوع کنندگان اند (٩٣) .

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهٖ ۚ وَإِنَّا لَهٗ كٰتِبُوْنَ ﴿٩٤﴾

پس هرکه بکند ازجنس کارهای شائسته واومومن باشد پس ناقبولی نه بُوَد سعی اورا وهرآئینه برای اومی نویسیم (٩٤) .

وَحَرٰمٌ عَلٰى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنٰهَآ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٩٥﴾

ومحال است برهردیهی که هلاك کردیم اوراآنکه بازگردند (یعنی بدنیا) (٩٥) .

حَتّٰٓى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوْجُ وَمَأْجُوْجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَّنْسِلُوْنَ ﴿٩٦﴾

تاوقتیکه کشاده شود قیدیاجوج وماجوج وایشان ازهربلندی بشتابند (٩٦) .

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۚ يٰوَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِيْ غَفْلَةٍ مِّنْ هٰذَا بَلْ كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ﴿٩٧﴾

ونزدیك برسد وعدهٔ راست پس ناگهان حال اینست بالادوخته شود چشم های کافران گویند وای برماهرآئینه درغفلت بودیم ازین حال بلکه بودیم ستمگار (٩٧) .

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ ۖ أَنْتُمْ لَهَا وٰرِدُوْنَ ﴿٩٨﴾

هرآئینه شما وآنچه می پرستید بجز خدا یعنی بتان آتش انگیز دوزخ باشید شمابروی داخل شوید(٩٨) .

لَوْ كَانَ هٰٓؤُلَآءِ اٰلِهَةً مَّا وَرَدُوْهَا ۖ وَكُلٌّ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٩٩﴾

اگرمی بودند این معبودان داخل نمی شدند به دوزخ و همه ایشان آنجاجاویدان باشند (٩٩) .

لَهُمْ فِيْهَا زَفِيْرٌ وَّهُمْ فِيْهَا لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿١٠٠﴾

ایشان را آنجاناله باشد وایشان آنجاهیچ نه شنوند (١٠٠) .

إِنَّ الَّذِيْنَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِّنَّا الْحُسْنٰىٓ ۙ أُولٰٓئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُوْنَ ﴿١٠١﴾

هرآئینه آنانکه سابقاً مقررشد برای ایشان ازجانب مانیکوئی این جماعت ازدوزخ دور کرده شوند (١٠١) .

لَا يَسْمَعُوْنَ حَسِيْسَهَا ۚ وَهُمْ فِيْ مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خٰلِدُوْنَ ﴿١٠٢﴾

نه شنوند آواز دوزخ را وایشان درآنچه خواهد نفسهای ایشان جاویدانند (١٠٢) .

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقّٰىهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ۖ هٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِيْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ ﴿١٠٣﴾

اندوهگین نه سازد ایشان را آن ترس بزرگ وپیش آیند ایشان را فرشتگان گویند

اینست آن روزکه شمارا وعده داده می شد (١٠٣) .

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَآءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾

روزیکه درپیچیم آسمان رامانندِ پیچیدنِ طوماروقتِ نوشتن نامه هارا چنانکه آغازیدیم اوّل آفرینش را دیگربار کنیم آفرینش وعده لازم برما هرآئینه ماکننده ایم (١٠٤) .

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنۢ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾

وهرآئینه نوشتیم درزبور بعدازتورات که زمین وارث آن شوند بندگان شائسته ما[(١)] (١٠٥) .

إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾

هرآئینه درآنچه گفته شدکفایت است گروه عابدان را (١٠٦) .

وَمَآ أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٧﴾

ونه فرستادیم ترا مگر ازروی مهربانی برعالمها (١٠٧) .

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾

بگو جزاین نیست که وحی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما خدای یکتاست پس آیاگردن نهنده هستید (١٠٨) .

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ وَإِنْ أَدْرِيٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾

پس اگر اعراض کنند پس بگو خبردارساختیم شمارابروجهی که همه برابر باشید ونمی دانم که نزدیك است یا دوراست آنچه وعده داده میشوید (١٠٩) .

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾

هرآئینه خدامی داندآشکاررا ازسخن ومی داند آنچه پنهان می کنید (١١٠) .

وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾

ونمی دانم شاید تاخیرِ موعود ابتلاباشد شمارا وبهره مندی باشد تامدتی (١١١) .

(١) یعنی درآخرزمان پیغامبری مبعوث شود وامت اوبرهرزمین غالب شود والله اعلم .

قُلَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ
عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

پیغامبر گفت ای پروردگار من حکم کن براستی وپروردگار مابخشائنده است ازوی مدد طلب کرده می شود برآنچه بیان می کنید (١١٢) .

سُورَةُ الْحَجِّ

سوره حج مدنی است وآن هفتادوهشت آیت وده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾

ای مردمان بترسید ازپروردگار خویش هرآئینه زلزله که نزدیك قیامت باشد چیزی بزرگ ست (١) .

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ
وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ
وَمَا هُم بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾

روزی که ببینید آن را غافل شود هرشیر دهنده از طفلی که شیرمی دهدش وبنهد هرزنِ باردار بارِشکم خودرا وببینی مردمان را مست ونیستند مست ولیکن عذاب خدا سخت ست (٢) .

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ
كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ﴿٣﴾

وازمردمان کسی هست که گفتگو می کند درشانِ خدا بغیر دانش وپیروی می نماید هرشیطان متمرد را (٣) .

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ
عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٤﴾

که درقضای الهی نوشته شده است بروی که هرکه دوست داری اوکند پس وی گمراه کندش وراه نمایدش بسوی عذابِ آتش (٤) .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم
مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن
مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ
فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ
نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن

ای مردمان اگردرشك اید از رستخیز پس هرآئینه ماآفریدیم شمارا ازخاك بازازنطفه بازاز خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده وغیر صورت داده (می گوئیم) تاواضح سازیم برای شما وقرار می دهیم دررحمها چیزی را که خواهیم تامیعاد معین بازبیرون می آریم شمارا